

## شهید اول

یا افقه الفقهاء قرن هشتم هجری قمری و نظر فقهی وی

جزیبی، در تاریخ ۷۳۴ هـ ق در قریه جزین از قراء جبل عامل متولد شد، اسمش محمد و لقبش شمس‌الدین و کبیله اش ابو عبدالله و مشهور بشهید اول یا شهید علی الاطلاق میباشد. جزیبی قریه‌ای از قراء جبل عامل است که در جنوب دمشق در کوه‌های لبنان واقع است، عده کثیری از علمای امامیه از بلاد و قراء جبل عامل برخاسته‌اند که اغلب صاحب درجات عالی و مقامات نامحیی در علوم و تقوی و فضیلت بوده‌اند و از خود تالیفات ارزنده‌ای بجای گذارده‌اند. جبل عامل قبلاً "جزء کشور بزرگ سوریه بوده است و لکن امروز بموجب تقسیمات کنسوری از بلاد لبنان و به لبنان جنوبی مشهور است و علت نامگذاری این ناحیه را که جبل عامل گویند از آن جهت است که "عامله بن سباء" از یمن کوچ نمود و در این ناحیه از حبال لبنان سکونت گزید و بنام وی منسوب شد.

مردم قریه جزیبی مولد شهید اول همگی مسلمان و شیعه بودند ولی اکنون همه مسیحی مارونی هستند و شهید در آنجا مسجدی ساخته است که بدو منسوب است و اکنون به کینه تبدیل گردیده و همچنان در کنار جاده‌ای در قریه جزیبی سنگی وجود دارد که به نشانه خانه و منزل شهید معروف است (۱).

شهید در تعبیرات علما و فقهای امامیه و غیره گاهی بشهید اول و در بیشتر موارد بشهید علی الاطلاق معروف است. وی یکی از بزرگترین فقها و علمای امامیه میباشد و در کلمات علما و بزرگان به امام الفقه و کبف الشیعه و افقه الفقها و خاتمه الکل و رئیس الفقها و از این قبیل عناوین و القاب موصوف گردیده است. در این مورد تعدادی از عبارات علما و فقها و بزرگان که درباره شهید گفته شده است بعینه بدون ترجمه می‌آوریم تا مقام شهید در بین علماء امامیه معلوم گردد.

اسفخر المحققین محمد بن علامه حلی در احازه‌ای که بشهید داده است و متن آن در بحار موجود است گوید:

الامام الاعظم افضل علماء العالم وسيد فضلاء بنى آدم مولانا شمس الحق والدين محمد بن مکی بن محمد بن عامل ادام الله ايامه .

۲- شيخ محمد بن يوسف کرمانی قرشی شافعی در اجازه‌ای که بشهید داده است چنین گوید: المولى الاعظم الاعلم امام الائمة، صاحب الفضلین، بجمع المناقب والکمالات الفاخره، جامع علوم الدنيا والاخره . . .

۳- شيخ عبدالصمد بن ابراهيم، شيخ دارالحديث بغداد در اجازه‌ای که بشهید داده است و متن آن در اجازات بحار صفحه ۱۱۴ موجود است گوید: الشيخ الامام العلامة الفقيه البارع الفاضل الناسک الزاهد شمس الدين ابو عبدالله محمد بن مکی بن محمد . . . (واز این قبیل عبارات در کتب علما و فقها زیاد است که بجهت اختصار از ذکر آنها صرف نظر مینمائیم .

شهید در علوم عقلی و نقلی تبحر کامل داشته مخصوصاً " در فقه و مسائل مربوط بدان و از این جهت در بیشتر کتب با فقه الفقهاء یاد شده است و در استنباط مسائل فقهی چنانکه قبلاً از کلمات علماء استفاده شد متفرد زمان خود بوده است، وی ابتدا در جزین بغراگرفتن علوم پرداخته و در اوائل بلوغ در حدود شانزده سالگی در سنه ۷۵۰ هـ ق بطرق مسافرت نموده و در آنجا از فخر المحققین فرزند علامه حلی و یک سال بعد از " ابن نما " وسید عمید الدین خواهرزاده علامه حلی اجازه دریافت نموده است و بسیار مورد توجه فخر المحققین قرار گرفته است .

در تاریخ ۷۵۵ هـ ق از عراق بحیل عامل بازگشته است (۲) و در جزین مدرسه‌ای بنا نموده است. که در زمان حیات و بعد از وی محل تدریس علوم و اشتغال علمای بزرگ بوده است و چنانکه از بعضی از اجازات وی استفاده میشود، کرارا " بحله مسافرت نموده است و در محضر علمای آن سامان حضور داشته و در مجالس و محافل علمی بیعت و تحقیق می پرداخته است و بعد از حله در کربلا و بغداد و در مکه و مدینه و در شام و فلسطین در مقام خلیل (۳) و بیت المقدس رفت و آمد داشته و بتدریس و تدریس و بحث و گفت و شنود با علمای آن دیار و بلاد می پرداخته است، و لکن دلیلی در دست نیست که مسافرت وی به مصر و ایران را اثبات نماید، و آنچه از تاریخ برمی آید در اواخر عمرش با سلطان خراسان مکاتبه داشته است و سلطان خراسان بارها او را برای مسافرت بایران دعوت نموده ولی شهید نپذیرفته و شهید کتاب " المعاهد المشقیه " را بدرخواست او برایش نوشته است .

#### اساتید و مشایخ شهید

شهید مذکور از محضر اساتیدی الهی و والامقام چون فخر المحققین فرزند علامه حلی و امثال و نظایر چنین بزرگانی کسب فیض نموده است، و یکی از اموریکه تعدد و کثرت اساتید

و مشایخ وی را ثابت مینماید، تعدد و کثرت طرق وی در نقل اخبار از ائمه (ع) است، چنانکه در بعضی از اجازات وی آمده است که طرق وی در نقل اخبار از ائمه (ع) بیش از هزار طریق بوده است.

مشایخ شهید از لحاظ تلمذ و اجازه و قرائت و غیره زیاد بوده اند و ما چند نفر از آنها را بعنوان نمونه در زیر نقل مینمائیم:

۱- شیخ جمال الدین مکی بس شیخ محمد شمس الدین، پدر شهید که از شاگردان شیخ نجم الدین طوفان- بوده است، و شهید از وی روایت مینماید (در روایات و غیره)

۲- شیخ اسدالدین صاغ جزینی، استاد شهید و پدر زن وعموی پدرش بوده است و در سیزده نوع از علوم ریاضی مهارت کامل داشته است و از این جهت در زمره فقها مشهور نبوده است (اعیان الشیعه ج ۱۱ / ص ۱۲۹)

۳- شیخ ابوطالب محمد معروف بحر المحققین فرزند علامه حلی، از بزرگترین اساتید شهید بوده است و شهید بیشتر اوقات خود را در محضر وی گذرانده است و کتاب مشهور خود بنام "ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات الفوائد" را بروی قرائت نموده است (۴) و شهید از وی چند اجازه دریافت نموده است و از آنها اجازه ای است که فخر المحققین در منزل خود در حله در تاریخ بیستم شعبان ۷۵۱ هـ ق مرقوم فرموده و شهید در ربیعین خود آن تصریح نموده است و در این تاریخ سن شریف شهید در حدود ۱۷ سال بوده است زیرا وی در تاریخ ۷۳۴ تولد یافته است و گویا اولین اجازه بوده است که بشهید اعطا شده است. فخر المحققین اجازه دیگری نیز در منزل خود در حله در تاریخ ششم شوال سنه ۷۵۶ هـ ق بشهید داده است و متن آن در آخر بحار مربوط باجازات ص ۳۶ موجود است البته تعداد مشایخ شهید را بجهل تن رسانیده اند که بحسب اختصاص فقط سه نفر از آنها را نقل نمودیم.

### (تلامذه موجود و شاگردان شهید در جهات مختلف)

تعداد زیادی از علماء در بلاد مختلف بر شهید قرائت نموده و اجازه دریافت داشته اند و نیز عده زیادی از مجالس درس وی کسب فیض نموده اند و هزاران نفر از آنها در مدرسه شهید در جزین که خود شهید بعد از مراجعت از عراق آنرا تاسیس نموده است بتحصیل علوم و فنون مختلف اشتغال داشته که همگی علماء و مراجع عالی قدر بوده اند و چه در زمان حیات و چه پس از آن تعداد زیادی از بزرگان علماء از آن مدرسه بیرون آمدند و در بلاد اسلام افاضه و ترویج احکام اسلام نمودند و این مدرسه از مشهورترین مدارس دینی و علمی جبل عامل بوده است و علاوه بر تدریس شهید منحصر باین مدرسه بلکه در بلاد مختلف مانند حله و دمشق، مکه، مقام خلیل و غیره تدریس داشته است یکی از مواردیکه شهید در آن مورد سرآمد تمام علماء است میتوان گفت در مورد اعطای اجازات است و نیز روایات، مرحوم

حاجی شیخ عباس قمی در "کتی واللقاب" خود گوید: هر که در طرق اجازات علمای ما با کثرت و پراکندگی آن ما تامل نماید، در می یابد که اکثر بلکه تمام اجازه های شهید منتهی می گردد. و نیز علامه نوری در مستدرک گوید: بدان که طرق اجازات علمای ما با تعداد زیاد و پراکندگی آن تمامی بشهید منتهی می گردد و طریقی را نیافتم که بوی منتهی نگردد مگر تعداد کمی.

اینک چند نفر از شاخص زبانی که از شاگردان شهید بوده و ما بدانها در کتب تراجم اطلاع یافتیم و از جهات مختلف از محضر شهید استفاده نموده اند بعنوان نمونه بشرح زیر می آوریم:

۱- سید ابوطالب احمد بن قاسم بن زهره حسینی، روضات صفحه ۳۴۰ جلد دوم و غیره.  
 ۲- شیخ جمال الدین احمد بن ابراهیم بن حسن کروانی یا کوثرانی، یکی از کسانی است که بر شهید کتاب "علل الشرایع" را قرائت نموده و اجازه روایت از آن را از شهید بتاريخ ۱۲ شعبان ۷۵۷ هـ ق دریافت داشته است و صورت اجازه در ریاض موجود است.  
 ۳- ام علی همسر خود شهید که در کتب تراجم شرح حال وی موجود است و از شوهرش اجازه روایت دریافت نموده است، روضات و غیره.  
 ۴- شیخ جمال الدین احمد بن نجار صاحب حاشیه بر قواعد علامه حلی، وی توضیحات و تحقیقات استادش (شهید اول) را جمع آوری نموده و بنام حاشیه نجاریه بر قواعد نام نهاده است که ضمن تالیفات شهید نیز خواهد آمد.

۵- شیخ جمال الدین احمد بن عبدالله بن سعید بن متوج بحارانی، روضات و غیره.  
 ۶- سید ابو عبدالله بن محمد حسینی، وی عالمی بزرگوار و معاصر شهید بوده است و گویا از محضر شهید استفاده مینموده است و بین آن دو بزرگوار مناشداتی نیز بوده است و هر دو اشعاری نیز دارند

۷- شیخ احمد بن حسن بن محمود، مرحوم آغا بزرگ در "حقایق" گوید: وی از شاگردان شهید بوده و نسخه ای از کتاب ذکری بخط شیخ احمد مذکور، دیده است که تاریخ فراغ از کتابت آن هفتم ربیع الثانی سنه ۷۸۴ می باشد و در کتابخانه مجدالدین طهرانی موجود است.  
 ۸- شیخ اسماعیل راذانی، در کتاب ریاض و غیره تعداد شاگردان شهید را در کتب رجال در حدود ۳۵ تن نوشته اند که از نقل بقیه صرف نظر گردید.

### ( مؤلفات و آثار علمی شهید اول )

شهید از خود آثار علمی و مؤلفات زیادی در علوم مختلف بجای گذارده است و لکن اکثر تالیفات وی در فقه و اصول و کلام می باشد و از همه بیشتر در فقه زیرا تبحر وی در فقه مراتب از سایر علوم بیشتر بوده و از آن جهت در بیشتر کتب، با فقه الفقهاء یاد شده است

ولکن از تالیفات وی معلوم میشود که در علوم متعددی از قبیل ریاضیات و عربیت و شعر و هندسه دست داشته است و در اخلاق و هیئات و تاریخ نیز وارد بوده است لکن مهارت و شهرت وی در فقه بحدی بوده است که برای تمام علما تا امروز ضرب المثل میباشد .

تعداد تالیفات شهید را مختلف نقل نموده اند بعضی زیاد و گروهی تعداد کم شمرده اند ولی ما چند کتاب مهم شهید را بعنوان نمونه یاد آور میشویم .

۱- الالغیه "رساله ای است. مشتمل در حدود هزار واجب در نماز تاریخ تالیف ندارد و در تاریخ ۱۳۰۸ هـ ق در ایران بچاپ رسیده است و بر آن شرح ها و حاشیه های زیادی نوشته شده است و بارها با این حاشیه ها و شرح ها بچاپ رسیده است صاحب الذریعه تعداد شرح ها و حاشیه های آن را به بیشتر از پنجاه عدد رسانیده است .

۳- "ذکر الشیعه فی احکام الشریعه" جزء اول آن مشتمل بر ابواب طهارت و صلوٰه که در تاریخ ۲۱ صفر ۷۸۴ هـ ق تالیف آن پایان یافته، در تاریخ ۱۲۷۱ هـ ق در ایران بچاپ رسیده است و حواشی زیادی بر آن نوشته شده است و یکی از حواشی آن حاشیه خود شهید است ( الذریعه ج و ص ۸۶ )

۴- "القواعد والفوائد" کتابی است مشتمل بر سیصد قاعده فقهی و چندین فائده و تنبیهات ابتداء در سال ۱۲۷۰ هـ ق در ایران چاپ شده است و بار دوم در سنه ۱۳۰۸ هـ ق با بعضی از حواشی نیز در ایران چاپ شده است . شیخ ابراهیم کفعمی آنرا مختصر نموده و سپس بر روش کتب فقهی فاضل مقدار مرتب نموده است و به "نضد القواعد" نامیده است و همچنان شهید ثانی آنرا بترتیب دیگری ترتیب داده و آنرا "تمهید الفوائد" نامیده است .

۶- "المعه الدمشقیه" کتاب مختصری است در فقه که بارها و لکن اکثر منضم با شرح شهید نبی بچاپ رسیده است کتابی است که به ضمیمه شرح آن در بیشتر بلکه در تمام حوزه های علمیه تدریس میشود و مشهور ترین کتاب فقه در بین علماست و بر آن حواشی بسیاری از طرف طلاب و علما و فقها نوشته شده است .

**"وفات شهید و سبب آن"**

وفات شهید را بالاتفاق در تاریخ ۷۸۶ هـ ق نهم جمادی الاول نوشته اند ، ابتداء او را گردن زدند و سپس بدار آویختند و پس از سنگسار بدن او را سوزاندند ، این قضیه در عصر سلطنت "برقوق" واقع گردید " ( ۶ ) . قضیه شهادت وی در اکثر کتب بدین نحو آمده است چنانکه در مورد شاگردان شهید یاد آور شده ایم یکی از شاگردان وی شخصی بود بنام محمد یالوش از قریه ای بنام "برج یالوش" از جبل عامل ، وی پس از مدتی تحصیل و تلمذ از محضر شهید از طریق شهید بیرون رفت و راه شعبده و سحر در پیش گرفت و با شهید بنای مبارزه نهاد ولیکن شهید با سحر او را جواب داد و بمقتضای "و جادل هم بالتی" او را

## مجاب ساخت

ولی دست از روش خود بر نداشت و بعد از مدتی از این بالاتر ادعای نبوت نمود و تعدادی از مردم را گمراه و بگرد خود جمع نمود و بر علیه شهید قیام نمود و شهید بقتل وی فتوی داد و سپس با کمک سلطان وقت لشکری تهیه دید و بر اثر محاربه محمد یالوش کشته شد و اطرافیان وی پراکنده گردیدند و یکی از گمراهان تقی الدین خیامی بود و دیگری بنام یوسف بن یحیی که اینان پس از کشته شدن محمد یالوش پیوسته مترصد بودند که بر علیه شهید قیام کنند و سر انجام بر اثر سعایت اینان در نزد سلطان و اکاذیب زیاد و تهمت‌هایی که بشهید نسبت دادند توانستند سلطان را در باره شهید بدبین سازند و بالاخره با رهبری یوسف بن یحیی طوماری بر علیه شهید تنظیم نمودند که مشتمل بر فتاوی و اقوال نادرست و مسائل ناروا بود و موهم خروج از دین و ارتداد بود و آنرا بشهید نسبت دادند و در آن طومار ۷۰ نفر از شیعیان جبل عامل که در واقع مرتد شده و از پیروان محمد یالوش بودند بر صحت آن شهادت دادند و همچنین هزاران نفر از اهل سنت آن دیار آنرا امضاء نمودند و پس از تکمیل و اثبات آن بوسیله شهود، نزد قاضی بیروت بردند و بر محتوای آن نزد قاضی نیز شهادت دادند و نزد قاضی ثابت شد و قاضی بیروت آنرا برای قاضی القضاة دمشق "عباد بن جماعه" فرستاد، و عباد بن جماعه شافعی بود و آن فتوی نداد چون یکی از دشمنان شهید بود و در مذهب شافعی توبه مرتد جایز است، و برای قاضی مالکی "برهان الدین" فرستاد و بدو نوشت که باید بر فتوای خود حکم کنی و گرنه ترا از قضاوت عزل مینمایم، و فتوای مالکی این است که باید مرتد را کشت.

قاضی مالکی برهان الدین برای اینکه شهید را کاملاً "مرعوب نماید و نتواند از خود دفاع نماید و بجهت تصمیم بقتل شهید و محکومیت وی، دستور داد قضاة و بزرگان دمشق در حضیره القدس اجتماع نمایند و درخواست نمود که ملک "بیدمر" نیز در آن مجلس حضور یابد و مجمع بزرگی برای محاکمه شهید تشکیل داد، لکن چنانکه خواهید دید شهید در این محاکمه چنان شجاعت نشان داد و احتجاج و مناظره نمود و احاطه خود را با آگاهی از فقه مذاهب اربعه ثابت نمود که هیچ شخصیتی چنان دفاع نمی‌توانست کرد و لکن بنا بر تعصب بود نه قضاوت و عدالت.

دستور داد تا شهید را حاضر نمودند سپس آن طومار را براو خواند، شهید محتویات آن را انکار کرد و اظهار نمود که معتقدات من چنین نیست لکن از وی پذیرفته نشد قاضی گفت که از نظر شرع بواسطه شهادت عده کثیری این اتهام ثابت شده است و حکم قاضی بیروت را نمی‌توان نقض نمود، شهید فرمود: الغائب علی حجتہ فان اتی بما یناقض الحکم جاز نقضه والا فلا "و من شهادت آنان که شهادت دادند بواسطه اثبات فسق آنها

باطل مینمایم و بر فسق آنان ادله‌ای آشکار دارم، لکن کسی بفرمایشات شهید که تمامی آن طبق دستورات و قواعد فقه اسلامی بود توجهی ننمود و قاضی بدو گفت که جز اعتراف راهی نداری سپس شهید بطرف قاضی القضاة "عبادین جماعه توجه نمود و گفت: اتی شافعی المذهب وانت الان امام هذه المذهب وقاضیه فاحکم بمذهبک

عبادین جماعه گفت: در مذهب شافعی باید مرتد را یک سال زندان نمود و پس از یکسال زندان توبه نماید اکنون پس از یکسال زندان باید توبه نمائی تا باسلام شما حکم نمایم لکن شهید دید اگر توبه نماید اعتراف بارتداد نموده است و حکم قاضی مالکی بر او ثابت میشود پس شهید باین جماعه گفت: من گناهی مرتکب نشده‌ام که توبه نمایم و لکن این جماعه اصرار به توبه نمود و شهید نمی پذیرفت و پس از مدتی این جماعه گفت توبه نمودی و حکم قاضی مالکی بر تو ثابت است و قابل برگشت نیست و باید قاضی مالکی در باره تو تصمیم بگیرد.

پس قاضی مالکی "برهان الدین" از منصب قضاوت برخواست و وضو گرفت و دو رکعت نماز خواند سپس گفت: قد حکمت باهراق دمه بان یقتل ویصلب ویرجم ثم یحرق جسده، پس جلاد آمد و لباس شهید را بیرون آورد و لباس قتل بر او پوشانید و با شمشیر گردن او را زد و بدنش را بدار آویخت و سنگسارش نمودند و بدن او را سوزاندند.

تمام این وقایع در نهم جمادی الاولی سنه ۷۸۶ هـ ق در قلعه‌ای از قلعه‌های دمشق اتفاق افتاد. (۷)

### مشرب شهید در استنباط و مسائل فقهی

بطور کلی پس از دقت نظر در کتب و ناءلیفات و فتاوی شهید استنباط میگردد که شهید یک مجتهد اصولی است و مانند سایر اصولیون و مجتهدین اذله فقه را منحصر به ادله اربعه میدانند (کتاب - سنت - اجماع - عقل).

شهید در مورد "کتاب" عقیده دارد که ظواهر آن حجت است و بمانند مجتهدین بآن استدلال مینماید و این موضوع در استدلال وی در کتب وی از جمله قواعد و لمعه و غیره آشکار میگردد.

امادر مورد "سنت و خبر" وی از نظر عمل بسنت و خبر واحد و با استدلال بدان در اثبات احکام، شهید خبر واحد را یکی از ادله مسلم و محکم فقه میدانند و حتی در لمعه در موارد زیادی عین متن خبر را مورد استدلال و فتوی قرار داده است چنانکه در صفحه ۲۶۹ از جلد دوم کتاب شرح لمعه در کتاب صید و ذباجه در مساله سوم، عین عبارت حدیث نبوی را بدون هیچگونه تغییری مورد فتوی قرار داده است و گوید: الثالثه ذکاه الجنین ذکاه امه، و نیز در کتاب دیات از جلد دوم شرح لمعه صفحه ۳۹۷ در مسائل آن گوید:

## ۲۳- پسوند "آمیز"

عشق آمیز

از سرکه سیل‌های تیـــــزرو      وزتن ما جان عشق آمیـــــزرو

دفتر اول

## ۲۴- پسوند "پیشه"

غم پیشه

جمله خلقان سخره اندیشه‌اند      زان سبب خسته دل و غم پیشه‌اند

دفتر دوم

## ۲۵- پسوند "گون"

نارگون

آفتابی کو برآید نارگـــــون      ساعتی دیگر شود او سرنگـــــون

دفتر اول

(۱) پینلو: روزن "یه‌پهلو" چنانچه در بعضی حواشی نوشته‌اند، به ترکی بمعنای موضعی است که کالاهای شهرهای دیگر را در آنجا برای فروش می‌گذاشته‌اند.

(۲) سره: زرخالص. (۳) بطیخ. هندوانه‌است (در حاشیه منوی چاپ‌هند بخط رسال شیرازی، خربوزه معنی شده است)

بقیه از صفحه ۶۴

و اما در مورد اجماع و عمل آن و وجه ححیت آن، شهید در این مورد نیز مانند مجتهدین و علمای امامیه عقیده دارد که مناط ححیت در اجماع کشف قول معصوم (ع) است و همانند محقق و دیگران عقیده اهل سنت که اجماع را بذاته حجت میدانند نمی‌پذیرد و تنها نظر بکاشفیت آن است نه خود اجماع و شهید در مواردی در کتاب قواعد خود آن تصریح نموده است مخصوصاً "در مساله اجماع و چون موارد زیاد است حتماً برای نمونه نیز نقل آن لازم نیست.

- (۱) حیاة الشہید صفحه ۳۵ باورقی (۲) " " " " " " ۱۸ - ۱۹
- (۳) مقام جلیل بلده‌ای است در ۳۶ کیلومتری بیت المقدس در طرف جنوب گفته‌نده است که قبر ابراهیم حلیل در آنجاست و از این جهت ندین نام مشهور است.
- (۴) خباة الشہید صفحه ۴۱ (۵) مستدرک نوری جلد سوم ص ۴۳۷
- (۶) رقوق یکی از سلاطین حراکسه عثمانی بود که بر مصر و سوریه سلطنت میکرد و نماینده وی در شام شخصی بود بنام "بیدمر"
- (۷) روصات الحنات جلد ۷ صفحه ۱۴ و اماں الشیعه ج ۴۷ صفحه ۴۵